

## عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مشهد

مریم هاشمیان (کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول)

[maryam.hashemian1@gmail.com](mailto:maryam.hashemian1@gmail.com)

حسین بهروان (ستاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد)

[behravan@um.ac.ir](mailto:behravan@um.ac.ir)

محسن نوغانی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد)

[noghani@um.ac.ir](mailto:noghani@um.ac.ir)

### چکیده

هدف این تحقیق بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (در حوزه های خدمات شهری، محیط زیست و فعالیت های نظارتی) و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان ۱۸ تا ۶۴ سال شهر مشهد می باشد. روش انجام این تحقیق، پیمایش (توصیفی - تبیینی) است. جامعه آماری تحقیق را کلیه ساکنان شهر مشهد تشکیل داده و حجم نمونه ۳۴۸ نفر می باشد که به شیوه نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم از سطح شهر مشهد انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفته اند. پایایی و روایی پرسش نامه نیز با استفاده از روش اعتبار صوری و آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های این تحقیق نشان می دهد که: میانگین میزان مشارکت مردم مشهد در امور شهری ۳,۱۹ (در بازه ۰-۴) است که نشان دهنده مشارکت زیاد مردم در امور شهری است، همچنین نتایج حاصل از آمار استنباطی و آزمون فرضیات تحقیق نشان می دهد که بین متغیرهای احساس بی قدرتی، میزان آگاهی نسبت به مشارکت در امور شهری، سن، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، عضویت انجمنی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رضایت از عملکرد شهرداری و مشارکت پاسخگویان در امور شهری رابطه معنی داری وجود دارد. یافته های حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که مؤثرترین متغیر بر مشارکت شهروندان در امور شهری، رضایت از عملکرد شهرداری با ضریب تأثیر ۰,۳۱۹ می باشد و بعد از آن متغیرهای عضویت انجمنی، احساس بی قدرتی، آگاهی، اعتماد اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی و سن با توجه به مقدار ضریب تأثیر در رده های بعدی قرار دارند. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که در صورتی که شهرداری بتواند میزان رضایت شهروندان را از عملکرد خود افزایش داده و نگرش مثبتی در آنان ایجاد کند، احتمال افزایش مشارکت شهروندان در امور شهری افزایش خواهد یافت.

**کلیدواژه‌ها:** مشارکت شهری، مدیریت شهری، شهروندی، مشارکت شهروندی.

## مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است تا جایی که او را حیوان «مدنی الطبع» تعریف کرده اند (نوغانی و دیگران، به نقل از کاردان، ۱۳۸۷). تعریف یاد شده به این خاطر است که انسان همواره به صورت جمعی زندگی کرده و نیازهای خود را به وسیله دیگران و به مدد آنان رفع کرده است (نوغانی و دیگران، ۱۳۷۸). بنابراین مشارکت از جمله پدیده‌هایی است که از دیرباز وجود داشته و همواره با زندگی انسان‌ها پیوند داشته و از قدمتی به درازای حیات انسان‌ها برخوردار است (سرگزی، ۱۳۸۱). با این همه از دیرباز در مورد منشأ این زندگی اجتماعی میان متفکران مسائل اجتماعی و دانشمندان علوم اجتماعی اختلاف نظر وجود داشته و دارد. آنچه مسلم است و ظاهراً همگی در آن اتفاق نظر دارند، این است که چه آدمی طبعاً متمایل به زندگی اجتماعی باشد و چه بر اثر عوامل بیرونی به این حالت سوق داده شده باشد، برای آنکه این گرایش به تحقق پیوندد، آموختن اجتماعی زیستن و مشارکت در امور جامعه به او لازم و ضروری است (نوغانی و دیگران، ۱۳۷۸).

اندیشه مشارکت شهروندان در اداره امور شهر قدمت دیرینه و به اندازه تأسیس شهر دارد (محسنی، ۱۳۸۳). هر جامعه‌ای با توجه به تاریخ، سنت‌ها، هنجارها و روحیات خویش می‌تواند پذیرای سطح معقولی از حضور شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و اهداف جامعه باشد. در دهه‌های اخیر، این اندیشه مطرح است که شکل‌های مدیریت سازمانی مسلط بر جوامع که از نیمه دوم قرن نوزدهم به جای مانده است با شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جدید هماهنگ نبوده و پاسخگوی حل مشکلات و معضلات کنونی نیست. در ادبیات جدید مدیریت بر شبکه‌های مدیریت غیرمتمرکز و انعطاف‌پذیر تأکید می‌شود و مدیریت به تدریج وارد شکل‌های سازمانی فراپروکراتیک می‌گردد که به جای فرهنگ سرکوب و کنترل مشارکت، تضارب عقاید در امر مدیریت را تشویق می‌نماید (همان: ۸۵). اما در این میان برخی از حوزه‌ها در جامعه وجود دارند که از دیرباز محل مناقشه و درگیری بوده‌اند و افراد در آن‌ها با توجه به شرایط رقابت موجود تمایل به انحصار قدرت داشته و از همکاری و هم‌فکری با دیگران پرهیز کرده‌اند. یکی از این حوزه‌هایی که معمولاً در آن تمرکز قدرت وجود داشته و مشارکت از پایین به بالا در آن اندک است، حوزه مدیریت و اداره امور در سطوح مختلف کشوری، منطقه‌ای و محلی است (رضویان، ۱۳۸۱).

بررسی کوتاه از سیستم های مدیریتی در شهرهای بزرگ دنیا، حاکی از آن است که اکثراً مدیریتی مقتدر، مستقل و مردمی بر این شهرها حکومت می کنند. مدیریت شهرها حتی در شهرهای کوچک نیز برای اداره شهر، از هیچ نهاد یا سازمانی دستور نمی پذیرد (رضویان، ۱۳۸۱). این مسئله در کلان شهرهای ایران نیز قابل مشاهده است به طوری که نقش مشارکت مردم در اداره امور شهر بسیار کم رنگ و ضعیف است (محسنی، ۱۳۸۳). بررسی تجربیات کشورهای که با استفاده از اهرم مشارکت مردم، به مبارزه با مسایل و مشکلات شهری برخاسته اند، حاکی از آن است که مدیریت شهری بیش از اراده سیاسی، نیازمند مشارکت مردمی است» (رضویان، ۱۳۸۱).

### بیان مسئله

گسترش چشمگیر شهرنشینی در سال های اخیر، به ویژه افزایش جمعیت در شهرهای بزرگی همانند شهر مشهد، مسائل و مشکلات بسیاری را بر جای گذاشته است که مدیریت شهری امروزی در شهرهای بزرگ دیگر قادر نخواهد بود با روش های سنتی و معمول گذشته این مشکلات را حل کرده و در ارایه خدمات یک سویه موفقیتی به دست آورد. آن چه امروزه توسعه و بهره وری خدمات شهری را تضمین می کند، مشارکت کلیه شهروندان در فعالیت های شهری است (رضایی، ۱۳۷۵).

شهر مشهد نیز از جمله شهرهایی است که هر ساله بر تعداد جمعیت آن افزوده می شود به طوری که طبق آمارهای سازمان برنامه ریزی و مدیریت در سال ۱۳۷۵، جمعیت نقاط شهری استان خراسان رضوی، ۲۹۲۲۰۰۰ بوده است. اما این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۵۵۹۳۰۷۹ نفر رسیده است. یعنی در طول ده سال جمعیت شهری استان خراسان رضوی رشدی ۳۹/۸ درصدی داشته است. از سوی دیگر جمعیت مشهد بین سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ رشدی حدود ۲۲۲٪ نشان می دهد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). رشد شتابناک جمعیت شهری مشهد، هشدار می دهد که در زمینه احتمال بروز مشکلات مختص شهرهای بزرگ، انواع نابهنجاری های اجتماعی که در شهرهای میلیونی امکان وقوع دارند، ضمن آنکه ارایه خدمات به چنین جمعیتی به آسانی از عهده یک سازمان و آن هم به صورت یک طرفه بر نمی آید.

جلب مشارکت شهروندان در اداره شهر از نظر اجتماعی باعث افزایش همکاری های اجتماعی می شود که پایه های جامعه مدنی را تقویت می کند. از طرف دیگر عدم مشارکت شهروندان در اداره امور شهر نیز پیامدهای منفی هم برای مدیریت شهری و هم برای ساکنین شهر ایجاد خواهد کرد که از جمله

می توان به افزایش محدودیت ها و مشکلات مدیریت شهری به دلیل افزایش هزینه ها و صرف انرژی زیاد و کاهش علقه عاطفی شهروندان به محل زندگی خود اشاره کرد (اصغریور، ۱۳۸۶).

تحقیقات انجام شده در زمینه مشارکت شهروندان در شهر مشهد نشان از میزان متوسط مشارکت مردم در امور شهری دارد. مثلاً تحقیق اصغریور (۱۳۸۶) نشان می دهد که میانگین میزان عمل مشارکتی مردم در طیف صفر تا ۱۰۰ برابر ۵۳ بوده است. با توجه به پیامدهای منفی و مثبت مشارکت یا عدم مشارکت شهروندان در اداره امور شهر باید دید با چه طرفنها و محرک هایی می توان ساکنین یک شهر را جهت مشارکت در امور عمومی شهر خود برانگیخت تا ضمن کاهش پیامدهای منفی عدم مشارکت آنان، به بهبود شرایط زندگی شهری هم برای شهروندان و هم برای سازمان های مرتبط با آنان دست یافت؟

در این پژوهش محقق بر آن است که میزان مشارکت مردم و عوامل مؤثر بر مشارکت آنان را در حیطه وظایف مدیریت شهری و مهم ترین نهاد آن یعنی شهرداری مورد بررسی قرار دهد، همچنین با توجه به گستردگی حوزه وظایف شهرداری و عدم آشنایی شهروندان با این وظایف، رایج ترین شیوه های مشارکت مردم با سازمانی نظیر شهرداری مورد بررسی قرار می گیرد. با توجه به اینکه حوزه های مشارکت مردم با شهرداری شامل خدمات شهری، محیط زیست، تأمین ایمنی شهر، فعالیت های نظارتی شهرداری، فعالیت های مربوط به رفاه اجتماعی و فعالیت های عمرانی شهرداری می باشد از بعضی از حوزه ها چندین فعالیت که برای شهروندان مشهودی ملموس تر و شناخته شده تر می باشد مورد بررسی قرار می گیرد.

### سوالات تحقیق

میزان مشارکت شهروندان مشهدی در اداره امور شهر در سال ۱۳۸۹ چقدر است؟

عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مشهد در سال ۱۳۸۹ کدامند؟

راهکارهای افزایش مشارکت مردم مشهد در اداره امور شهر در سال ۱۳۸۹ کدامند؟

### سابقه تحقیق

#### پیشینه تجربی

در رابطه با مشارکت و عوامل مؤثر بر آن تحقیقات و پژوهش های متعددی صورت گرفته است، در ذیل به چند نمونه از این تحقیقات که ارتباط بیشتری با موضوع پژوهش مورد نظر دارند اشاره می شود.

نتایج تحقیقات اصغرپور (۱۳۸۵)، یزدان پناه (۱۳۸۶)، نیازی (۱۳۸۵)، احمدی و توکلی (۱۳۸۵)، شریف زاده و صدقی (۱۳۸۷)، شفیع (۱۳۸۵)، عباس زاده (۱۳۸۷) و دیگران نشان می دهد که سابقه مشارکت، شناخت مفهوم مشارکت، احساس تعلق به محل سکونت، ارزیابی پیامدهای مشارکت، سود آور بودن فعالیت های مشارکتی، اوقات فراغت، اعتماد اجتماعی مردم به یک دیگر، اطلاع رسانی و پاسخگویی مدیران شهری، سنت گرایی، احساس تعلق اجتماعی، احساس مالکیت بر محیط شهری، رضایت از خدمات شهری، احساس توانمندی در مقابل شهرداری، احساس اثربخشی شهروندی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و عضویت در تشکل ها مهم ترین متغیرهایی هستند که مشارکت اجتماعی شهروندان در امور شهری را تبیین می کنند. در همه تحقیقات انجام شده میزان مشارکت در امور شهری اکثراً در حد متوسط رو به پایین به دست آمده و تنها در تحقیقی که عباس زاده (۱۳۸۷) در شهر اصفهان انجام داده است مشارکت شهروندان در امور شهری در حد بالایی می باشد.

در تحقیقات خارجی همانند تحقیقات مونتالوو (۲۰۰۸)، کلی و دنیس (۲۰۰۸)، لوکهارت (۲۰۰۳)، اعتمادی (۲۰۰۰)، بورتلتو و هاناکی (۲۰۰۷) و مارشال (۲۰۰۷) نیز میزان مشارکت مردم در امور شهری در حد متوسط رو به پایین می باشد و مهم ترین متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت در این تحقیقات نیز شامل پایگاه اجتماعی - اقتصادی، اعتماد اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، احساس بی قدرتی، نوع مالکیت منزل و میزان آگاهی می باشد.

### پیشینه نظری

در باب سبب شناسی (اتیولوژی) مشارکت باید گفت که، هیچ تئوری کلی که همه یا اغلب متغیرهای مربوط به مشارکت را در بر داشته باشد، مطرح نشده است. به نظر می رسد مشارکت، پدیده پیچیده ای است که به تعداد بسیار زیادی از متغیرهای دارای وزن های نسبی متفاوت وابسته است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۵). عوامل اثرگذار بر بحث مشارکت بسیار متعدد و متنوع می باشند. از عوامل روان شناسی گرفته تا عوامل روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی. در این تحقیق به بحث مشارکت از دیدگاه روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی پرداخته شده است و متغیرهای مؤثر بر مشارکت به دو دسته متغیرهای درونی و بیرونی تقسیم شده اند.

از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی احساس بی‌قدرتی که در افراد نسبت به یک سازمان یا نهاد وجود دارد بر عمل و کنش آنان در مقابل آن سازمان مؤثر است. در این زمینه نظریات سطح کلان همانند نظریات مارکس، وبر و زیمل از مهم‌ترین بحث‌های ارایه شده در رابطه با بیگانگی انسان‌ها نسبت به دست‌ساخته‌هایشان و احساس بی‌قدرتی آنان در مقابل آن‌ها می‌باشد (علوی تبار، ۱۳۷۹). همچنین مطالعات تجربی که بر این پایه صورت گرفته است (ملوین و سیمن، نیل و سیمن، ماری و لوین)، مشارکت را تابع همین احساس دانسته است بدین معنی که شهروندان، شهرداری را به عنوان یک نهاد خارج از خود و یک نیروی مستقل می‌بینند که در برابر آن قدرتی ندارند و این نهاد بر آن‌ها مسلط شده است.

متغیر دیگری که از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، می‌تواند بر عمل و کنش افراد در رابطه با یک نهاد یا سازمان تأثیرگذار باشد احساس اثربخشی است. احساس اثربخشی انتظارات یک فرد در موفقیت در یک کار یا رسیدن به یک نتیجه ارزشمند از طریق فعالیت‌های فردی است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۵). بدین ترتیب که اگر شهروندان قضاوت‌های مثبتی در رابطه با مهارت‌ها و دانش خود جهت مشارکت در امور شهری داشته باشند به احتمال زیاد اقدام به مشارکت آنان نیز افزایش خواهد یافت.

همچنین در دسته بندی متغیرهای مؤثر بر مشارکت ارزیابی هزینه - فایده مشارکت نیز از جمله متغیرهایی است که می‌توان به تأثیر زیاد آن بر مشارکت مردم در امور شهری اذعان کرد. مهم‌ترین نظریه پرداز این بحث، هومنز است که وابسته به مکتب مبادله می‌باشد، هومنز معتقد است که «انسان همواره می‌کوشد تا رفتارهایی را که به پاداش منتهی می‌شود در کنش‌های متقابل جستجو کند (توسلی، ۱۳۷۳).

متغیرهای فوق‌مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت در حوزه روان‌شناسی اجتماعی می‌باشد. در این تحقیق به متغیرهای اجتماعی مؤثر بر مشارکت نیز پرداخته شده است. نظریه پردازان اجتماعی متغیرهایی نظیر عضویت انجمنی، اعتماد اجتماعی و پایگاه اجتماعی اقتصادی را بر میزان مشارکت افراد مؤثر می‌دانند.

ویژگی‌های فردی مؤثر بر مشارکت نیز از سوی نظریه پردازانی همانند لیپست بر میزان مشارکت افراد تأثیر دارند، این ویژگی‌ها شامل، جنسیت، وضعیت تأهل، سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات و ... می‌باشد.

## چارچوب نظری تحقیق

در این تحقیق متغیرهای مؤثر بر مشارکت به دو دسته متغیرهایی که اصالتاً درونی هستند (روان شناسی اجتماعی) و متغیرهایی که از محیط بیرونی و اجتماعی فرد ناشی شده اند تقسیم شده است.

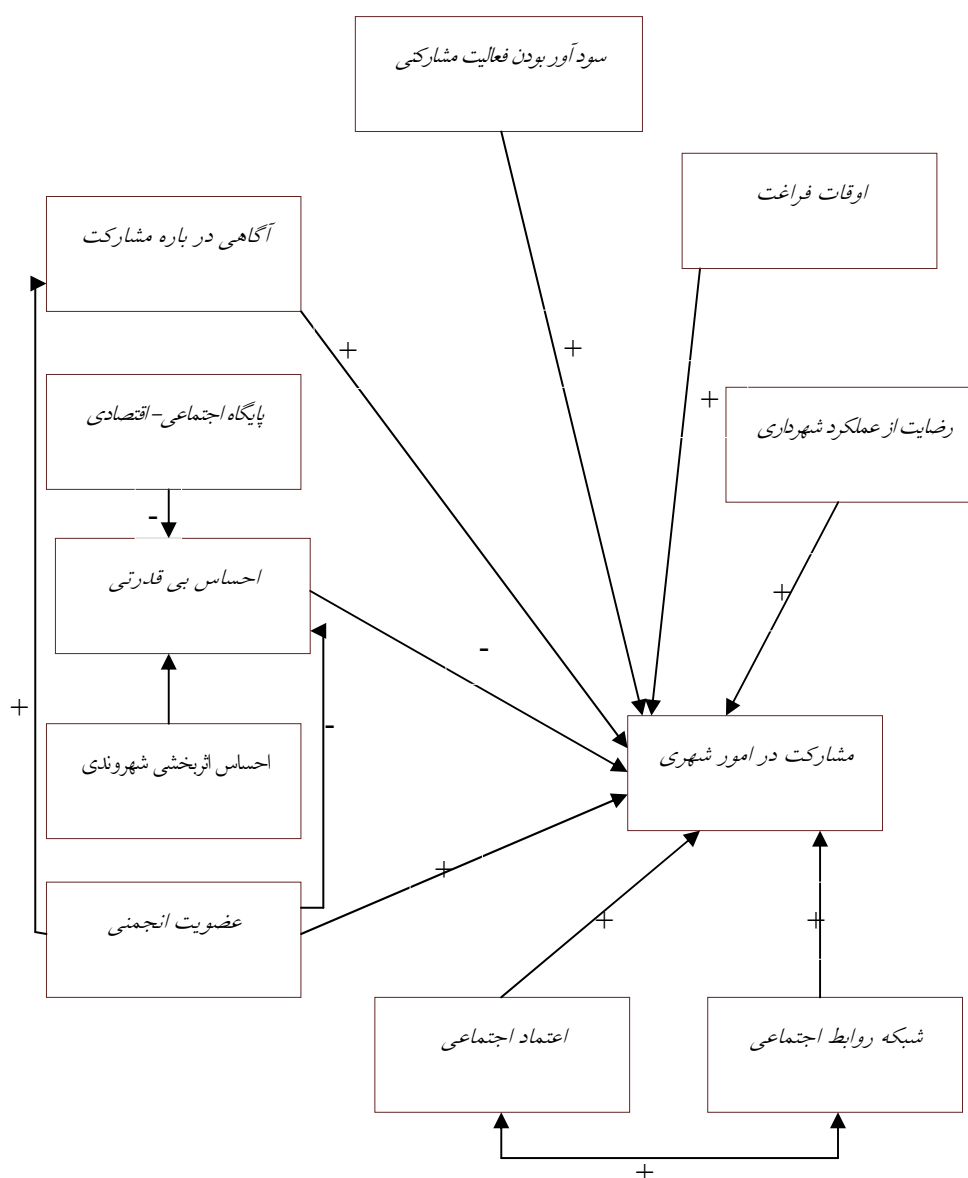
در بخش متغیرهای درونی یا روان شناسی اجتماعی مشارکت به طور گسترده به نظریاتی که متغیر بی قدرتی را به عنوان یک متغیر مهم اثرگذار بر مشارکت می دانند اشاره شده است. این دسته از نظریات به نظریات وبری معروف هستند که در آن بر نظام باورها، گرایش ها و اندیشه ها تأکید می شود. افرادی که در بعد کلان به متغیر بی قدرتی اشاره کرده اند کارل مارکس، گنورگ زیمل و ماکس وبر می باشند. عده ای دیگر نظریه های برد متوسط بی قدرتی را مطرح کرده اند که شامل ملوین سیمن، نیل و سیمن، ماری لوین می باشند. سایر افرادی که در زمینه مفهوم بی قدرتی مطالعات تجربی و نظری داشته اند شامل ماری لوین، هانتینگتون و نلسون (تأثیر منزلت اجتماعی افراد بر احساس بی قدرتی)، کلی و برین لینگر (موقعیت کنترل)، آلبرت باندورا (احساس خوداثربخشی)، رابرت دال (بیگانگی سیاسی و اجتماعی)، سنت و کوب، آلموند و وربا (احساس توانایی ذهنی و سیاسی) می باشند.

در بین متغیرهای درونی یا روان شناختی مشارکت نظریاتی که به ارزیابی فایده - هزینه مشارکت اشاره کرده اند نیز مورد بررسی واقع شده اند. از جمله نظریاتی که در این زمینه بحث کرده است نظریه کنش عقلانی می باشد که مهم ترین نظریه در این رویکرد، از آن هومنز است.

دسته دوم متغیرهایی که بر مشارکت تأثیر می گذارند متغیرهای اجتماعی یا متغیرهای بیرون از شخص می باشند. در این راستا اولین متغیری که مورد بررسی قرار گرفته است، متغیر عضویت انجمنی است. از جمله نظریه پردازانی که عضویت انجمنی افراد را بر مشارکت آنان مؤثر می دانند گمسون، سیلز، مایرون وینر و آلن تورن می باشند. هانتینگتون و نلسون نیز در این زمینه علاوه بر اشاره به متغیر احساس بی قدرتی، متغیر عضویت انجمنی را نیز بر مشارکت افراد مؤثر دانسته اند. هانا آرنت و یورگن هابرماس در همین راستا به مفهوم حوزه عمومی یا قلمرو همگانی اشاره کرده اند. متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی نیز از سوی برخی از نظریه پردازان به عنوان عامل اثرگذار بر مشارکت افراد شناخته شده است و در دسته متغیرهای اجتماعی یا بیرونی نسبت به شخص قرار می گیرد. نظریه پردازانی همچون وربا و نای و اروم تأثیر این متغیر بر مشارکت را مورد بررسی و سنجش قرار داده اند.

آخرین متغیر از دسته متغیرهای اجتماعی تأثیرگذار بر مشارکت، متغیر اعتماد اجتماعی است که در اکثر تحقیقات تجربی انجام شده مرتبط با موضوع بدان اشاره شده است. همچنین در این تحقیق با توجه به نظریه سی مور مارتین لیست تأثیر ویژگی های فردی نیز بر مشارکت مورد بررسی قرار گرفته است.

### مدل مفهومی مشارکت





## روش تحقیق

روش انجام این تحقیق روش پیمایشی از نوع توصیفی - تبیینی است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شهروندان (اعضای خانوارعم از زن و مرد) بالای ۱۸ سال شهر مشهد در سال ۱۳۸۹ می باشد. حجم نمونه ۳۴۷ نفر بوده و شیوه نمونه گیری نیز نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم می باشد. پایایی پرسش نامه با آلفای کراباخ و روایی آن با روش اعتبار صوری مورد بررسی قرار گرفته است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری SPSS استفاده شده است. نتایج در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش آمار توصیفی از نمودارها و جداول توزیع فراوانی و همچنین شاخص های مرکزی مانند میانگین و میانه استفاده شده است، در بخش آمار استنباطی متناسب با نوع فرضیات و سطح سنجش متغیرها از آزمون های آماری ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون، آزمون مقایسه میانگین، آزمون تحلیل واریانس، تحلیل رگرسیون چند گانه و تحلیل مسیر استفاده شده است.

## بررسی قابلیت اعتماد متغیرهای تحقیق

نام متغیر	تعداد گویه ها	مقدار آلفای کراباخ
مشارکت در امور شهری	۱۰	۰/۷۲۱
شبکه روابط اجتماعی	۵	۰/۷۳۴
اعتماد اجتماعی	۶	۰/۷۷۱
عضویت انجمنی	۸	۰/۷۲۳
احساس تعلق به مشهد	۳	۰/۸۱۹
احساس بی قدرتی	۸	۰/۷۷۹
رضایت از عملکرد شهرداری	۵	۰/۸۱۲
ارزیابی هزینه- فایده مشارکت	۴	۰/۷۰۱
احساس اثربخشی شهروندی	۵	۰/۷۴۵
آگاهی	۳	۰/۷۰۳
پایگاه اجتماعی- اقتصادی <sup>۱</sup>	۶	۰/۷۱۵

1- متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی از ترکیب ۳ متغیر میزان درآمد سرانه خانواده، منزلت شغلی و تحصیلات ساخته شده است.

در رابطه با کلیه متغیرهای تحقیق میزان آلفا بالاتر از ۰,۷ می باشد بنابراین می تواند گفت که سوالات طراحی شده جهت سنجش هر شاخص از همبستگی درونی بالایی برخوردار می باشند.

### یافته های تحقیق

یافته های حاصل از این تحقیق در قالب جداول خلاصه شده و مختصر در ذیل گزارش شده اند:

### یافته های توصیفی تحقیق

متغیرهای مستقل و وابسته	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد	نسبت میانگین به نمره کل شاخص (درصد)
مشارکت در امور شهری	۱/۴۰	۴/۷۰	۳/۱۹	۰/۶۱	-
تعداد سال های سکونت در این محله	۱	۵۰	۱۱/۸۶	۱۰/۴۶	-
تعداد سال های سکونت در مشهد	۱	۹۰	۲۷/۳۵	۱۴/۲۷	-
سن	۱۸	۷۶	۳۳/۸۹	۱۲/۵۳	-
اعتماد اجتماعی	۱	۴/۸۷	۲/۸۱	۰/۸۶	۰/۴۷
عضویت انجمنی	۰	۴/۸۳	۰/۸۷	۱/۱۰	۰/۱۸
احساس تعلق به مشهد	۱	۰	۳/۹۳	1	۰/۹۸
احساس بی قدرتی	۱	۴/۸۳	۷۲/۲	۰/۸۴	۰/۴۶
رضایت از عملکرد شهرداری	۱	۰	۳/۲۷	۰/۶۵	۰/۵۶
سودآور بودن فعالیت مشارکتی	۵	۵	۳/۵۸	۰/۶۷	۰/۶۵
احساس خودآثر بخشی	۱	۰	۳/۸۱	۰/۶۸	۰/۷۰
آگاهی	۰	۴	۰/۹۸	۰/۸۴	۰/۲۴

جدول بالا آماره های توصیفی متغیرهای تحقیق را نشان می دهد:

مقایسه نتایج حاصل از محاسبه درصد میانگین متغیرهای مورد بررسی نشان می دهد: در بین متغیرهایی که به عنوان عوامل مؤثر بر میزان مشارکت مردم مشهد در اداره امور شهر شناسایی شده اند،

احساس تعلق به مشهد (۰/۹۸) و احساس خوداثربخشی (۰/۷۰) بیشترین درصد میانگین را به خود اختصاص داده اند، و کمترین درصد میانگین نیز به متغیرهای عضویت انجمنی (۰/۱۸) و آگاهی (۰/۲۴) اختصاص یافته است. درصد میانگین متغیر رضایت از عملکرد شهرداری (۰/۵۶)، تصور سودآور بودن فعالیت مشارکتی (۰/۶۵)، احساس بی قدرتی (۰/۴۶) و اعتماد اجتماعی (۰/۴۷) است.

می توان گفت که مردم مشهد احساس تعلق بالایی نسبت به شهر خود داشته و همچنین احساس خوداثربخشی آن ها در انجام امور مرتبط به شهر زیاد می باشد اما در مقابل عضویت آنان در انجمن های مختلف بسیار پایین است و شاید به همین دلیل آگاهی پایینی نیز نسبت به شیوه ها و زمینه های مشارکت در امور شهری دارند. همچنین میزان رضایت شهروندان مشهودی از عملکرد شهرداری، تصور آنان از سودآوری فعالیت مشارکتی، اعتماد اجتماعی و احساس بی قدرتی آنان در برابر شهرداری در حد متوسطی می باشد.

در جدول شماره ۲-۵ نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین میزان مشارکت مردم در امور شهری با حد متوسط این مقیاس نمایش داده شده است. نتایج این آزمون نشان می دهد که میزان مشارکت مردم مشهد در امور شهری ۳/۱۹ است، با توجه به اینکه سطح معناداری در آزمون این فرضیه کمتر از ۰/۰۵ است (sig=000) می توان گفت که میزان مشارکت مردم در امور شهری از حد متوسط بیشتر بوده و این نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد.

جدول ۲-۵- بررسی میزان مشارکت مردم در امور شهری شهر مشهد

سطح معناداری	مقدار t	آزمون t تک نمونه ای			
		خطای استاندارد میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد
۰۰۰	۳۶۳۰۵	۰/۳۲	۰/۶۱	۳/۱۹	۳۴۸
					مشارکت در امور شهری

در جدول شماره ۲ نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق نشان داده شده است:

بین متغیرهای سن، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، عضویت انجمنی، احساس خوداثربخشی شهروندی، رضایت از عملکرد شهرداری، احساس بی‌قدرتی، آگاهی از مشارکت، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و میزان مشارکت در امور شهری رابطه معناداری وجود دارد. همچنین عضویت انجمنی شهروندان بر میزان آگاهی و احساس بی‌قدرتی آنان تأثیر می‌گذارد، بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد با احساس بی‌قدرتی آنان رابطه معناداری وجود دارد، شبکه روابط اجتماعی افراد نیز بر میزان اعتماد اجتماعی آنان مؤثر است.

جدول ۲-۵- نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	مقدار ضریب همبستگی	سطح معناداری	تأیید یا رد فرضیه	تئوری مرتبط با فرضیه
سن	مشارکت در امور شهری	۰/۱۴۳	۰/۰۰۸	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)	لیپست
تعداد سال‌های سکونت در این محله	مشارکت در امور شهری	۰/۰۵۵	۰/۳۰۵	رد	پیشینه تجربی تحقیق
تعداد سال‌های سکونت در مشهد	مشارکت در امور شهری	۰/۰۲۱	۰/۷۰۳	رد	پیشینه تجربی تحقیق
تعداد ساعات وقت آزاد در روز	مشارکت در امور شهری	-۰/۰۷۱	۰/۲۰۵	رد	پیشینه تجربی
شبکه روابط اجتماعی	مشارکت در امور شهری	۰/۳۷۴	۰/۰۰۰	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)	پیشینه تجربی
اعتماد اجتماعی	مشارکت در امور شهری	۰/۳۱۵	۰۰۰	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)	پیشینه تجربی
عضویت انجمنی	مشارکت در امور شهری	۰/۴۲۵	۰۰۰	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)	هانتینگتون و نلسون، هانا

آرنت و یورگن هابرماس					
پیشینه تجربی	رد	۰/۵۹۶	۰/۰۲۹	مشارکت در امور شهری	احساس تعلق به مشهد
آلبرت باندورا، رابرت دال، آلموند و وربا	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)	۰/۰۰۲	۰/۱۶۵	مشارکت در امور شهری	احساس خوداثربخشی
هومنز	رد	۰/۴۶۱	۰/۰۴۰	مشارکت در امور شهری	سودآور بودن فعالیت مشارکتی
پیشینه تجربی تحقیق	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)	۰۰۰	۰/۴۳۸	مشارکت در امور شهری	رضایت از عملکرد شهرداری
ملوین سیمن، نیل و سیمن، ماری لوین	تأیید جهت رابطه معکوس است)	۰۰۰	-۰/۳۸۷	مشارکت در امور شهری	احساس بی قدرتی
پیشینه تجربی	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)	۰۰۰	۰/۱۹۵	مشارکت در امور شهری	آگاهی
وربا و نای، اروم	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)	۰۰۰	۰/۲۳۶	مشارکت در امور شهری	پایگاه اجتماعی - اقتصادی
هانتینگتون و نلسون	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)	۰/۰۰۲	۰/۱۶۹	آگاهی	عضویت انجمنی
آلموند و وربا	تأیید (جهت رابطه معکوس است)	۰۰۰	-۰/۲۰۲	احساس بی قدرتی	پایگاه اجتماعی - اقتصادی
هانتینگتون و نلسون	تأیید (جهت رابطه معکوس است)	۰/۰۰۱	-۰/۱۷۸	احساس بی قدرتی	عضویت انجمنی
پیشینه تجربی	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)	۰۰۰	۰/۲۷۸	اعتماد اجتماعی	شبکه روابط اجتماعی

## تحلیل رگرسیون چندگانه

متغیرهای مستقل: سن، جنس، تعداد سال های سکونت در محله، تعداد سال های سکونت در مشهد، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، احساس خوداثربخشی، احساس بی قدرتی، میزان آگاهی، عضویت انجمنی، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سودآور بودن فعالیت مشارکتی، رضایت از عملکرد شهرداری، احساس تعلق به مشهد.

متغیر وابسته: مشارکت مردم در امور شهری

جدول ۳-۵- ضرایب رگرسیونی متغیرهای تحقیق در گام آخر

مراحل رگرسیون	متغیرهای وارد شده در مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد میانگین	مؤثرترین متغیر
گام آخر	عضویت انجمنی، رضایت از عملکرد شهرداری، احساس بی قدرتی، اعتماد اجتماعی، آگاهی، سن، شبکه روابط اجتماعی	۰/۸۲۲	۰/۵۲۲	۰/۵۱۲	۰/۴۲۴۸۹	رضایت از عملکرد شهرداری (۰/۳۱۹)

نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل رگرسیون در جدول شماره ۳-۵ نمایش داده شده اند. در آخرین گام رگرسیون متغیرهای عضویت انجمنی، رضایت از عملکرد شهرداری، احساس بی قدرتی، اعتماد اجتماعی، آگاهی، سن و شبکه روابط اجتماعی در مدل رگرسیون باقی مانده اند که این ۷ متغیر در مجموع ۵۲٪ از تغییرات متغیر مشارکت در امور شهری را تبیین می کنند و سایر تغییرات این متغیر وابسته به عواملی دیگری است که در این مدل نیامده است. و مؤثرترین متغیر بر میزان مشارکت مردم در امور شهری رضایت از عملکرد شهرداری است که بالاترین ضریب تأثیر (۰/۳۱۹) را نسبت به متغیرهای دیگر دارد.

جدول شماره ۴ - ۵- مدل تحلیل مسیر (تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته)

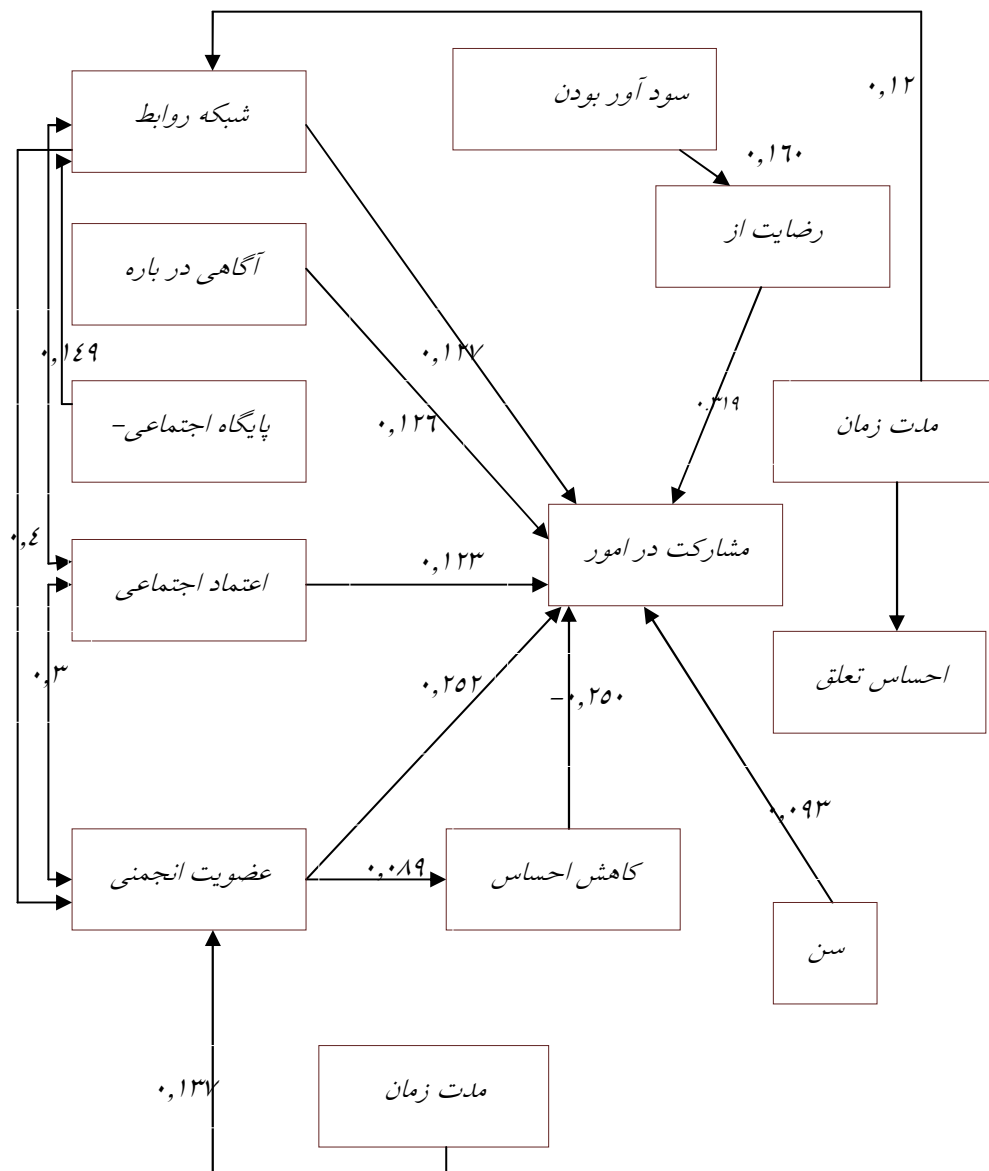
متغیرها	انواع تأثیر	
	مستقیم	غیرمستقیم
رضایت از عملکرد شهرداری	۰/۳۱۹	-
اعتماد اجتماعی	۰/۱۲۳	۰/۰۰۱
آگاهی	۰/۱۲۶	-
احساس بی قدرتی	-۰/۲۵۰	۰/۰۲۲
شبکه روابط اجتماعی	۰/۱۰۷	۰/۴۴۶
سن	۰/۰۹۳	-
عضویت انجمنی	۰/۲۵۲	۰/۱۳۱
احساس تعلق به مشهد	-	۰/۰۳۴
ارزیابی هزینه فایده	-	۰/۰۵۱
تعداد سال های سکونت در مشهد	-	۰/۰۲۳
تعداد سال های سکونت در محله	-	۰/۰۱
پایگاه اجتماعی اقتصادی	-	۰/۰۳۱

در جدول فوق مقدار تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل تحقیق بر متغیر وابسته یعنی میزان مشارکت مردم در امور شهری نمایش داده شده است. متغیرهای مستقلی که تأثیر مستقیم بر میزان مشارکت مردم در امور شهری داشته اند شامل رضایت از عملکرد شهرداری، آگاهی درباره مشارکت و سن می باشد.

متغیرهایی که از علاوه بر تأثیر مستقیم، تأثیر غیرمستقیم و به واسطه سایر متغیرهای مستقل بر مشارکت مردم در امور شهری دارند نیز شامل اعتماد اجتماعی، احساس بی قدرتی و شبکه روابط اجتماعی می باشد.

متغیرهایی که فقط تأثیر غیرمستقیم بر متغیر وابسته یعنی میزان مشارکت در امور شهری دارند شامل متغیرهای احساس تعلق به مشهد، ارزیابی هزینه- فایده مشارکت، تعداد سال های سکونت در مشهد، تعداد سال های سکونت در محله و پایگاه اجتماعی- اقتصادی می باشد.

مدل تحلیل مسیر (نویسنده این نمودار را چک کند)



نتایج تحلیل مسیر وجود برخی از روابط علی بین متغیرهای مستقل و وابسته و همچنین روابط علی بین متغیرهای مستقل و تأثیر غیرمستقیم آنان بر متغیر وابسته یعنی میزان مشارکت مردم در امور شهری را



تأیید می کند. اما به غیر از روابط علی موجود در مدل نظری، در مدل تجربی تحقیق نیز بین بعضی از متغیرهای مستقل روابط علی مشاهده شد که در مدل نظری به آن اشاره نشده بود.

وجود رابطه علی بین متغیرهای عضویت انجمنی و احساس بی قدرتی و همچنین وجود رابطه متقابل بین متغیرهای شبکه روابط اجتماعی و اعتماد اجتماعی علاوه بر اینکه در مدل نظری تحقیق به آن اشاره شده بود در مدل تحلیل مسیر نیز تأیید گردید. اما وجود رابطه بین متغیرهای احساس اثربخشی شهروندی و احساس بی قدرتی و همچنین رابطه علی بین متغیرهای عضویت انجمنی و آگاهی درباره مشارکت در مدل تحلیل مسیر مشاهده نشد.

همچنین نتایج تحلیل مسیر وجود رابطه علی بین متغیرهای ذیل را که در مدل نظری تحقیق پیش بینی نشده بود، تأیید کرد:

شبکه روابط اجتماعی	← +	پایگاه اجتماعی - اقتصادی
عضویت انجمنی	← +	شبکه روابط اجتماعی
اعتماد اجتماعی	← +	عضویت انجمنی
عضویت انجمنی	← +	مدت زمان سکونت در مشهد
احساس تعلق به مشهد	← +	مدت زمان سکونت در محله
رضایت از عملکرد شهرداری	← +	سود آور بودن فعالیت مشارکتی
شبکه روابط اجتماعی	← +	مدت زمان سکونت در محله

### بحث و نتیجه گیری

در اکثر تحقیقات انجام شده قبلی در رابطه با میزان مشارکت مردم در امور شهری میزان مشارکت در حد متوسط یا پایینی می باشد. تحقیق احمدی و توکلی (۱۳۸۵) مشارکت مردم را در حد متوسطی ارزیابی کرده است، در تحقیق شفیعی (۱۳۸۵) مشارکت مردم در حد متوسطی می باشد. تحقیق عباس زاده (۱۳۸۷) نشان می دهد که میانگین مشارکت شهروندان اصفهانی در حد بالایی است. تحقیق یزدان پناه (۱۳۸۶) نشان داد که اکثر شهروندان تهرانی مشارکت پایینی در امور شهری دارند. تحقیق شادی طلب

(۱۳۸۱) میزان مشارکت مردم را در حد پایینی نشان داده است. تحقیق نیازی (۱۳۸۵) نشان داد که میزان مشارکت مردم در حد کم و ناچیز می باشد. همچنین تحقیق اصغرپور (۱۳۸۵) نشان داد که میزان مشارکت مردم در امور شهری شهر مشهد در حد متوسطی است.

نتایج حاصل از تحقیقات خارج از کشور نیز نشان داد که میزان مشارکت مردم در امور شهری در حد متوسط رو به پایینی می باشد. به طوری که نتایج تحقیقات اعتمادی (۲۰۰۰)، مونتالوو (۲۰۰۸)، لوکهارت (۲۰۰۳)، کلی و دنیس (۲۰۰۸) این نتیجه را تأیید می کنند.

نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان می دهد که میانگین میزان مشارکت مردم در امور شهری ۳,۱۹ (در بازه ۰ تا ۴) یعنی مشارکت مردم مشهد نسبت به سال ۱۳۸۵ تا حدی افزایش یافته است. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق عباس زاده (۱۳۸۷) در شهر اصفهان هم خوانی دارد.

همچنین در مورد عوامل مؤثر بر مشارکت نتایج تحقیقات انجام شده نشان داد که سابقه مشارکت، شناخت مفهوم مشارکت، اوقات فراغت (احمدی و توکلی، ۱۳۸۵، کلدی، ۲۰۱۰)، احساس تعلق اجتماعی (شفیعی، ۱۳۸۵، اصغر پور، ۱۳۸۵)، رضایت از خدمات شهری، اعتماد اجتماعی (اصغر پور، ۱۳۸۵، مارشال، ۲۰۰۷)، احساس اثربخشی شهروندی (کلدی، ۲۰۱۰، اصغرپور، ۱۳۸۵، برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۰۶، مارشال، ۲۰۰۷)، میزان آگاهی و اطلاعات (برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۰۶، هاناک، ۲۰۰۷) احساس بی قدرتی (اصغرپور؛ برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۰۶)، پایگاه اجتماعی اقتصادی (مونتالوو، ۲۰۰۸، مارشال، ۲۰۰۷، کلی و دنیس، ۲۰۰۸)، سن (لیپست، مونتالوو، ۲۰۰۸)، جنسیت (لیپست، مونتالوو، ۲۰۰۸)، میزان تحصیلات (مونتالوو، ۲۰۰۸، لیپست، لوکهارت، ۲۰۰۳)، شبکه روابط اجتماعی (مارشال، ۲۰۰۷، اصغرپور، ۱۳۸۵)، ارزیابی پیامدهای مشارکت (احمدی و توکلی، ۱۳۸۵)، عضویت انجمنی (شفیعی، ۱۳۸۵، اصغرپور، ۱۳۸۵، اعتمادی، ۲۰۰۰)، تعداد سال های سکونت در محله و مشهد (اصغرپور، ۱۳۸۵) مهم ترین تبیین کننده های میزان مشارکت مردم در امور شهری می باشد.

نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان داد که سن، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، عضویت انجمنی، رضایت از عملکرد شهرداری، احساس بی قدرتی، آگاهی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر میزان مشارکت مردم در امور شهری تأثیر دارند که این نتایج تأیید کننده نتایج تحقیقات قبلی است. اما رابطه بین

متغیرهای احساس تعلق به مشهد، ارزیابی هزینه فایده مشارکت، احساس خوداثربخشی شهروندی، تعداد سال های سکونت در محله و مشهد، اوقات فراغت و میزان مشارکت مردم در امور شهری رابطه معناداری نبود و در رابطه با این متغیرها، نتایج این تحقیق با یافته های تحقیقات قبلی هماهنگی ندارد. همان طور که نتایج تحلیل مسیر نشان داد تعداد سال های سکونت در محله بر احساس تعلق مردم به شهر تأثیر دارد اما شاید بتوان گفت که صرف وجود احساس تعلق بالا به شهر دلیل بر مشارکت مردم با نهادهای شهری نمی باشد. مردم ممکن است تعلق بالایی به شهر خود به دلایل مختلف داشته باشند ولی رضایت زیادی از عملکرد نهادهای شهری نداشته و همین امر سبب عدم همکاری و مشارکت آنان با این نهادها شود. در رابطه با عدم معناداری وجود رابطه بین احساس خوداثربخشی شهروندی و مشارکت مردم در امور شهری نیز می توان گفت که تصویری که افراد از انجام موفقیت آمیز کارها در یک حوزه خاص توسط خودشان دارند دلیل بر مشارکت آنان نیست، چه بسا افرادی که تصور مثبتی از خود در زمینه های مختلف داشته ولی حاضر به ورود به حیطه عمل نمی باشند. در زمینه عدم وجود رابطه معنادار بین ارزیابی هزینه-فایده مشارکت و مشارکت در امور شهری نیز می توان گفت که ممکن است مردم منافع مشارکت را بیشتر از هزینه های آن بدانند ولی چون آگاهی کمی در رابطه با شیوه ها و زمینه های مشارکت در امور شهری دارند بنابراین در عمل تمایل چندانی نسبت به مشارکت نداشته باشند.

همچنین نتایج این تحقیق با نظریات گردآوری شده در رابطه با عوامل مؤثر بر مشارکت همانند، نظریات مرتبط با احساس بی قدرتی که مشارکت افراد را ناشی از احساس تأثیرگذاری آنان بر برنامه ریزی ها و تصمیمات سازمان های دولتی همانند شهرداری می داند (وبر، مارکس، زیمل، ماری لوین، نیل و سیمن، ملوین سیمن)، نظریات مرتبط با عضویت انجمنی که بخشی از مشارکت افراد را ناشی از عضویت آنان در نهادها و سازمان های مختلف می داند (هانا آرنست، یورگن هابرماس، هانتینگتون و نلسون، گمسون، مایرز و آلن تورن)، نظریات مرتبط با پایگاه اجتماعی اقتصادی (وربا و نای، اروم) نظریات مرتبط با احساس اثربخشی شهروندی که معتقدند تصویری که افراد از خود در رابطه با انجام موفقیت آمیز یک عمل دارند در کنش های آنان مؤثر است (آلبرت باندورا) انطباق داشت ولی نتیجه این تحقیق با فرضیات نظریه ارزیابی هزینه-فایده (هومنز) منطبق نبود چرا که بر اساس نتایج تحقیق تصور افراد از سود و زیان فعالیت مشارکتی تأثیری بر فعالیت مشارکتی آنان در امور شهری نداشت.

در بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل، نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان داد که متغیر ارزیابی هزینه - فایده مشارکت تأثیر غیر مستقیمی بر میزان مشارکت مردم دارد این متغیر از طریق رضایت از عملکرد شهرداری بر متغیر مشارکت اثر می گذارد. همچنین متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی که تأثیر مستقیمی بر مشارکت ندارد به واسطه متغیر شبکه روابط اجتماعی بر مشارکت مردم تأثیر دارد یعنی با افزایش پایگاه اجتماعی - اقتصادی ساکنان شهر شبکه روابط اجتماعی آنان گسترده تر می شود و بدین ترتیب این شبکه روابط گسترده میزان مشارکت آنان را در امور شهری افزایش خواهد داد. همچنین متغیر مدت زمان سکونت در مشهد از طریق متغیر عضویت انجمنی بر مشارکت مردم در امور شهری تأثیر دارد. با در نظر گرفتن مجموع نتایج به دست آمده می توان گفت که: مهم ترین نتیجه ای که از این تحقیق به دست آمده این است که یک دلیل عمده افزایش مشارکت مردم در امور شهری رضایت متوسط آنان از عملکرد شهرداری می باشد.

#### پیشنهادات

- ۱- نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان داد که میزان عضویت مردم در انجمن های مختلف بسیار پایین است به طوری که میانگین میزان عضویت انجمنی آنان در بازه ۰-۵ برابر با ۰/۸۷ می باشد، عدم عضویت یا عضویت پایین مردم یک شهر در نهادها و انجمن های مختلف باعث می شود که آگاهی آنان در رابطه با مسائل و امور شهری در حد اندکی باقی بماند (میانگین میزان آگاهی مردم در رابطه با مشارکت در بازه ۰-۴ برابر با ۰/۹۸ است) و همین امر مانع پذیرفتن مسئولیت در رابطه با امور شهری در بین آنان می شود. بنابراین یکی از شیوه هایی که می توان از طریق آن مردم یک شهر را در ارتباط مستقیم با نهادهای شهری و مسئولین آن قرار داد ایجاد شوراهای محلی در محلات و تشویق مردم جهت عضویت در این شوراها می باشد زیرا عضویت مردم در این شوراها به عنوان یک انجمن محلی آگاهی آنان را در رابطه با مسائل شهری افزایش خواهد داد و زمینه پذیرفتن برخی از مسئولیت های نهادهای شهری توسط مردم را ایجاد می نماید.
- ۲- با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق و همان طور که در بند قبلی پیشنهادات اشاره شد میزان آگاهی مردم در رابطه با مشارکت (شیوه های مشارکت، زمینه های مشارکت و همچنین انواع مشارکت) در حد بسیار پایینی می باشد بنابراین نهادهای شهری بایستی با توسل به شیوه های متفاوت اطلاع رسانی زمینه افزایش آگاهی مردم در رابطه با این پدیده را فراهم آورند، به نظر می رسد که بهتر است این اطلاع رسانی از طریق رسانه هایی که از اقبال عمومی

بیشتری در نزد مردم برخوردار هستند صورت گیرد بنابراین پیشنهاد می شود که مسئولین شهرداری از طریق رسانه های تبلیغاتی پر مخاطب نظیر تلویزیون و ... اطلاعات و آگاهی های بیشتری در رابطه با بحث مشارکت در اختیار مردم قرار دهد.

۳- احساس بی قدرتی مردم مشهد در رابطه با شهرداری و نهادهای شهری در حد بالایی است، نتایج به دست آمده نشان داد که میانگین احساس بی قدرتی مردم بالاتر از حد متوسط می باشد، تصور مردم مشهد از سازمان شهرداری تصور سازمانی است که هیچ قدرتی در برابر آن نداشته و باید تابع بی چون و چرای تصمیمات اتخاذ شده از سوی آن باشند. در حالی که شهرداری و نهادهای شهری مشهد می توانند با احترام به آراء نظرات، انتقادات و پیشنهادات شهروندان و اعمال خواسته های آنان، احساس بی قدرتی در بین مردم را کاهش داده و از این طریق زمینه مشارکت آنان در امور شهر و همکاری با شهرداری را ایجاد نمایند.

۵- نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می دهد که تصور مردم از شهرداری تصور نهادی است که فقط می خواهد به شیوه ها و عناوین مختلف از مردم پول دریافت کند و در ازای آن نیز خدمت قابل توجهی به آنان ارایه نمی دهد. این تصور باعث می شود که مردم در مقابل شهرداری جبهه گیری کرده و خدمات آن را در تضاد با منافع خود بدانند و بنابراین از انجام هرگونه همکاری با سازمان شهرداری خودداری کنند. بنابراین پیشنهاد می شود که شهرداری مشهد با اتخاذ راهکارهایی (همانند انجام نظرسنجی از مردم برای ارایه هر نوع تغییر در شهر یا ارایه هر نوع خدمت جدید) نگرش مردم به خود را تغییر داده و با از بین بردن تصور منفی مردم نسبت به خود زمینه های افزایش همکاری و مشارکت مردم را فراهم آورد.

۶- پیگیری خواسته ها و مطالبات مردم در حد توان و رفع مشکلات آنان جهت تغییر نگرش آنان به شهرداری  
۷- بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیق مردم مشهد تمایل زیادی دارند که تعاملات چهره به چهره و مستقیم با مسئولین شهرداری داشته باشند، اگر مسئولین بتوانند شوراهای محلی را در محلات شهری مشهد ایجاد کرده و هر از چندگاهی ارتباط نزدیک و رو در رو با مردم داشته باشند، می توانند احساس بی قدرتی آنان را کاهش داده، اعتماد آنان را به شهرداری افزایش دهند و از این طریق بر فعالیت های مشارکتی مردم در امور شهری تأثیر گذار باشند

### فهرست منابع

اصغریور ماسوله، احمدرضا (۱۳۸۶): راهکارهای افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان، طرح پژوهشی مرکز پژوهش های شورای اسلامی شهر مشهد.

توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳): نظریه های جامعه شناسی، تهران، انتشارات سمت .

رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵): مشارکت اجتماعی، هدف یا ابزار توسعه، ماه نامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۱۰-۱۰۹، تهران، مؤسسه اطلاعات .

رضویان، محمدتقی (۱۳۸۱): مدیریت عمران شهری، تهران، انتشارات پیوند نو، ۱۳۸۱.

سرگزی، حسینعلی (۱۳۸۱): مشارکت و نهادهای مردمی، مجموعه مقالات هشتمین گردهمایی دولت و مشارکت مردمی، ۲۹۰-۲۶۳ .

شفیعی، شفیع (۱۳۸۵): بررسی جامعه شناسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر اردبیل، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی دانشگاه آزاد رودهن .

صدیقی، جوادو شریف زاده، فتاح (۱۳۸۷): بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، مجله مطالعات مدیریت، شماره ۵۹.

عباس زاده (۱۳۸۰): اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.

علوی، علیرضا (۱۳۷۹): بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)، جلد دوم، تهران، سازمان شهرداری های کشور.

محسنی تبریزی، علیرضا طباطبایی، محمود و مرجایی، سیدهادی (۱۳۸۵): نظریه های روان شناختی و رویکردهای تلفیقی مشارکت، مجله سیاست داخلی، سال اول، شماره اول، ۱۷۵-۱۴۷.

محسنی، علی رضا (۱۳۸۳): جنبه های اجتماعی مدیریت کلان شهرها با تأکید بر مشارکت شهروندان، فصل نامه مدیریت فردا، شماره ۷ و ۸، ۹۰-۸۳.

نوغانی، محسن (۱۳۸۷): میزگرد مشارکت اجتماعی شهروندان، سایت سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد.

نوغانی، محسن و حسینی، سید کمال الدین و کیوان، غلامرضا ایمانیان، مسعود (۱۳۸۷): شهر، شهروند، مشارکت، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

Felisa U. Etemadi (2000): Civil society participation in city governance in Cebu City: Environment&Urbanization Vol 12 No 1 .

Kelli L. Larson, Denise Lach (2008): Participants and non-participants of place-based groups: An assessment of attitudes and implications for public participation in water resource management, journal of environmental management 88, 830-817.

- M.Lockhart, Stacy (2003): Factors Affecting Participation In city Recycling Programs, A Thesis Submitted to the Graduate Faculty of the Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College for the degree of Master of Science in The Department of Environmental Studies B.S., Niagara University.
- Marschall, Melissa. J (2007): Citizen Participation and the Neighborhood Context: A New Look at the Coproduction of Local Public Goods, The University of Utah, published by sage.
- Montalvo, Daniel (2008): Citizen Participation in Municipal Meetings, American Barometer insights: NO 4, Vanderbilt University (USAID) .
- Paula Bortoleto, Ana. Hanaki, Keisuke (2007): Report: Citizen participation as a part of integrated solid waste management: Porto Alegre case, Department of Urban Engineering, The University of Tokyo, Tokyo, Japan.